

مطالعه روابط ایران، روسیه و قطر در مجمع کشورهای صادرکننده گاز

سعادت شریفی پور^۱، میثم محمدی^۲

چکیده

در این پژوهش کوشش شده تا مسئله همکاری ایران، روسیه و قطر در قالب مجمع کشورهای صادرکننده گاز (اوجک) بررسی شود، لذا این پرسش مطرح است: چه انگیزه‌ای می‌تواند باعث ایجاد همکاری و همگرایی میان کشورهای یاد شده شود. فرضیه پژوهش بر این اصل استوار است که سود مشترک (تأثیرگذاری و سود بیشتر در بازار گاز طبیعی) می‌تواند یک عامل مهم و حتی کافی برای شکل گرفتن این همگرایی باشد، برای بررسی این فرضیه یک پژوهش توصیفی از منابع کتابخانه‌ای و با استفاده از چارچوب نظری وابستگی متقابل شکل گرفت که در نهایت با بررسی جایگاه کنونی گاز طبیعی و آینده پیش‌روی بازار عرضه و تقاضا برای آن و همچنین پتانسیل‌های اوجک و کشورهای عضو این مجمع در بازار گاز طبیعی در حال و آینده، در نهایت همه شاخصه‌هایی که مورد توجه و مطالعه قرار گرفته نشان از وابستگی روزافزون سه کشور مذکور به بازار گاز و متعاقب آن به وجود آمدن وابستگی متقابل با کشورهای صادرکننده گاز طبیعی دارد، که در این میان با توجه به نقش اوجک و همچنین قرابت منافع این کشورها به یکدیگر حتی نسبت به سایر اعضا باعث شده تا تأمین حداکثری منافع هرکدام درگرو همگرایی و پذیرش نقش سازمانی اوجک و عدم خصومت با دیگران باشد.

واژگان کلیدی: اوجک، وابستگی متقابل، ایران، روسیه، قطر.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای گرایش خلیج فارس، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای گرایش خلیج فارس، دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

مجمع اشاره کرد. ریاست مجمع چرخشی و اهداف اساسی سازمان حذف محدودیت‌ها و موانع موجود بر سر راه تجارت جهانی گاز از طریق ایجاد قواعد هماهنگ قیمت‌گذاری برای قراردادهای بلندمدت بیان شده است. اکنون بعد از نگاهی گذرا به وقایع پیشین سازمان باید ابتدا جایگاه گاز طبیعی در تأمین انرژی، پتانسیل و ظرفیت سازمان در عرضه و امنیت گاز طبیعی، نقش و موقعیت سه کشور ایران، روسیه و قطر در سازمان و نهایتاً بررسی منافع مشترک آتی این کشورها مورد بررسی قرار گیرد، حال برای تعیین خط‌مشی قبل از مورد دیگری به توضیح چارچوب نظری تعیین شده خواهیم پرداخت.

چارچوب نظری

نظریه وابستگی متقابل پیچیده که یکی از زیر مجموعه‌های لیبرالیسم است برای این بررسی به عنوان چارچوب نظری تعیین و در نظر گرفته شده است. این شیوه تفکر توسط کوهن و نای در دهه ۱۹۷۰ و در مقابل تفکر واقع‌گرایی که زور و قدرت را مبنا و تنها راه برای برتری و حفظ حیات در محیط آنارشیک بین‌الملل می‌دانست مطرح و ظهور پیدا کرد که این امر مصادف با شکست قوی‌ترین نیروی نظامی دنیا در جنگ ویتنام شد، کوهن و نای جهان را در آستانه یک حرکت از نظامی‌گری به سمت وابستگی متقابل و هم‌گرایی می‌دیدند که این به معنای حضور بازیگران جدیدی در کنار دولت‌ها و ملت‌ها نیز بود که بر هم‌زننده وزن و رفتار بازیگران بین‌المللی خواهد شد، زیرا در این دیدگاه دیگر دولت-ملت‌ها تنها بازیگران عرصه‌های بین‌المللی نیستند و سازمان‌ها و نهادهای فراملی نیز وارد عرصه

اوجک به پیشنهاد رهبری ایران در سال ۱۳۸۵ و در دیدار با مقامات عالی‌رتبه روسیه مطرح و در سال ۱۳۸۷ این پیشنهاد با توافق اولیه سه کشور روسیه، ایران و قطر بطور جدی دنبال شد. در می ۲۰۰۱ نشست افتتاحیه این مجمع در تهران با شرکت کشورهای روسیه، الجزایر، برونئی، اندونزی، مالزی، نیجریه، نروژ (ناظر)، عمان، قطر، ترینیداد و توباگو، ترکمنستان و ایران برگزار شد. دومین نشست در فوریه ۲۰۰۲ به میزبانی الجزایر برگزار شد و با ورود برونئی، مصر، لیبی و ونزوئلا دامنه عضویت سازمان گسترده‌تر شد و یک گام رو به جلو محسوب می‌شود و در سپتامبر ۲۰۰۲ نخست وزیران کشورهای عضو جهت‌گیری خود را به شرح ذیل اعلام کردند: همکاری و تشریک مساعی به منظور ایجاد بازارهای انرژی باثبات و شفاف، تأمین امنیت عرضه و تقاضا و گسترش تجارت جهانی منابع انرژی (Wagbara, 2005:9).

در فوریه ۲۰۰۳ قطر میزبان نشست سازمان بود و در گردهمایی مارس ۲۰۰۴ تصمیم ایجاد اداره اجرایی گرفته شد و این تصمیم در پایان ژوئن همان سال اجرایی شد و در چهارمین نشست مجمع در جولای ۲۰۰۴ اعلام موجودیت نمود، به وجود آمدن اداره اجرایی به جای دفتر ارتباطی مجمع یک گام به جلو تلقی می‌شد. ترینیداد و توباگو میزبان بعدی کشورهای عضو مجمع در آوریل ۲۰۰۴ بود. (Ibid, 10). در این میان هفتمین نشست مجمع در دسامبر ۲۰۰۸ در مسکو دستاوردهای زیادی داشت از جمله این دستاوردها می‌توان به تدوین اساسنامه، تثبیت اعضا و تعیین دوحه قطر به عنوان مقر دائمی دبیرخانه



کوهن و نای با مطرح کردن مفهوم وابستگی متقابل پیچیده ضمن تکامل نظریه خود سه ویژگی مهم برای آن بیان کردند: مجاری چندگانه شامل (روابط غیررسمی میان نخبگان دولتی و ترتیبات رسمی وزارتخانه‌های امور خارجه، روابط غیررسمی میان نخبگان غیردولتی، سازمان‌های فراملی) میان جوامع ارتباط برقرار می‌کند. دوم اینکه مفاهیم روابط بین دولتی از مسائل گوناگونی تشکیل می‌شود که بر آنها نوعی سلسله مراتب روشن یا ثابت حاکم نیست. بدین معنی که امنیت نظامی همیشه در اولویت اول نیست؛ و سومین مورد دربرگیرنده این مطلب است که کشورها در چارچوب منطقه یا مسائلی که وابستگی متقابل پیچیده بر آن حاکم است از کاربرد نیروی نظامی اجتناب می‌نمایند (دویچ و دیگران، ۱۳۷۵: ۳۶)، لیکن در روابط بین این دول در زمینه مسائل دیگر یا در روابط آنها با سایر دول نیروی نظامی ممکن است بکار برده شود.

در دنیای کنونی دیگر نمی‌توان یک قدرت یا کشور را برتر یا هژمون دانست و سایرین را پیرو آن، دنیای وابستگی متقابل مجموعه‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی است که در شبکه‌ای پیچیده از همکاری و تعارض حضور دارند (Keohane, Ibid: 365). معیار حساسیت به عنوان معیاری برای سنجش همگرایی و وابستگی متقابل کشورها مطرح می‌گردد، بدین معنا که تحولات و روابط اقتصادی چند بازیگر بین‌المللی اهمیت و تأثیر زیادی برای دیگری دارد، ممکن است حجم مبادلات در کشوری تغییر نکند ولی اهمیت، تأثیر و حساسیت مبادله برای آنها افزایش پیدا کند که این خود به مفهوم افزایش وابستگی متقابل بین آنها خواهد بود. این امر باعث خواهد شد درجه‌ای از همبستگی

بین‌المللی شده و ایفای نقش مؤثری خواهند داشت؛ که خود موجب شکسته شدن انحصار نظامی‌گری به عنوان تنها ابزار و همچنین تحول سلسله مراتب قدرت در نظام بین‌الملل می‌گردد (Keohane, 1977:35).

اولین مفهوم در این نحله فکری این است که دولت‌ها را تنها بازیگران روابط بین‌الملل نمی‌داند، مسائل اساسی جهان را فراتر از مسائل نظامی، امنیتی و استراتژیک می‌داند و بر این اعتقاد است که مسائل اقتصادی، زیست-محیطی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت بیشتری یافته‌اند، قاعده رفتار در عرصه جهانی را از تعارض و مخاصمه خارج و در قالب همکاری‌های فراملی می‌پندارد، سلسله مراتب مبتنی بر قدرت نظامی را منسوخ می‌داند بلکه اعتقاد دارد شبکه‌ای پیچیده از همکاری‌ها که دیگر سلسله‌مراتبی نیست جایگزین آن شده است. وابستگی متقابل عبارت است از وابستگی دوطرفه و به وضعیتی اشاره دارد که در آن بین کشورها یا بازیگران داخلی کشورهای مختلف تأثیرگذاری متقابل وجود دارد. کوهن و نای اصطلاح وابستگی متقابل را تنها برای وضعیت‌هایی که متضمن منفعت دو طرف است محدود نمی‌دانند و فقط در حالتی که خطر کاربرد نیروی نظامی کم و سطح منازعه پایین است، حتی در وابستگی متقابل سیاسی- نظامی قاعده بازی می‌تواند حاصل جمع صفر نباشد. نباید پنداشت همواره برابری کامل در این وضعیت وجود خواهد داشت وابستگی متقابل برابر، یکسان و متقارن نیست، عدم تقارن در وضعیت وابستگی به احتمال قوی موجب اعمال نفوذ یکی از طرفین بر دیگری می‌شود.

شناخت اهمیت و پتانسیل‌های سازمان اوجک

ذغال سنگ انرژی برتر در قرن نوزدهم بوده است، نفت انرژی مسلط در قرن بیست و گاز طبیعی انرژی برتر در قرن بیست و یکم است (Banks, 2007:2). با افزایش جمعیت جهان و نیاز روزافزون به انرژی گاز طبیعی به دلیل پاک بودن از لحاظ زیست‌محیطی یک گزینه مناسب بشمار می‌رود، لذا تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند گاز طبیعی تأثیر گسترده‌ای بر اقتصاد جهان خواهد گذاشت، فرصت‌ها و چالش‌های وابستگی متقابل و ائتلاف‌های ژئوپولیتیک جدیدی را به وجود خواهد آورد (Ibid:27). انرژی نقطه حرکت و سنگ بنای توسعه اقتصادی جهانی است. از سوی دیگر، انرژی خود یکی از رکن‌های قدرت محسوب می‌شود؛ زیرا در جهان امروز توسعه می‌تواند تولید قدرت کند و از طرفی توسعه بدون انرژی میسر نیست. بر این اساس انرژی کلایی استراتژیک بشمار می‌رود که تأمین و امنیت آن نقش کانونی در امنیت بین‌الملل و اقتصاد جهانی دارد (واعظی، پیشین: ۱۱). پیش‌بینی می‌شود که بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۰ تقاضای انرژی تقریباً ۶۰ درصد افزایش خواهد داشت (Wagbara, Ibid:12). نرخ رشد تقاضای انرژی جهان ۱/۷ درصد برآورد شده است که ۲/۴ درصد رشد سالیانه نرخ رشد تقاضا برای گاز طبیعی بالاترین در میان حامل‌های انرژی است (کاظم‌پور اردبیلی، ۱۳۸۶: ۴).

اعضاء سازمان اوجک (الجزایر، امارات، ایران، بولیوی، ترینیداد و توباگو، روسیه، عمان، قطر، گینه استوایی، لیبی، نیجریه، ونزوئلا)^۱ حدود ۶۳ درصد از ذخایر گاز طبیعی، ۳۹ درصد از انتقال گاز طبیعی از طریق خط لوله، ۶۵ درصد از

میان بازیگران اقتصادی شکل گیرد زیرا آسیب‌پذیری آنها از هم بالا می‌رود و افزایش میزان همبستگی پیوند می‌تواند به افزایش منافع آنها بینجامد (Ibid, 366). کوهن و نای میان مفاهیم جهانی‌شدن و جهان‌گرایی تمایز قائل شده و جهانی‌شدن را متضمن نوعی سیالیت ولی جهان‌گرایی را شرایطی باقابلیت تشدید یا کاهش می‌دانند. وابستگی متقابل به وضعیتی اطلاق می‌گردد که تأثیرات متقابل و دوطرفه کشورها و بازیگران مختلف به آن شکل می‌دهد، بنابراین جهان‌گرایی گونه‌ای وابستگی متقابل است؛ اما با دو مشخصه ویژه و معین. اولین مشخصه جهان‌گرایی وجود شبکه‌هایی از به هم پیوستگی است و نه یک پیوستگی واحد. دومین مشخصه وجود شبکه‌ای از روابط جهانی است، شامل روابط فراتر از قاره‌ها و بین آنها. کوهن و نای جهان‌گرایی را دارای اشکال مختلف اقتصادی، نظامی، زیست-محیطی و فرهنگی می‌دانند (Ibid, 105-106). درجه، نوع و حجم جهان‌گرایی در پایان قرن بیستم به دلیل سه تحول اساسی (فشرده‌گی و تراکم شبکه‌ها، سرعت و شدت نهادی، مشارکت فراملی و وابستگی متقابل پیچیده) همواره رو به افزایش است. نظریه نیازها و وابستگی متقابل معتقد است که روابط و نیازهای متقابل ملت‌ها و کشورها در زمینه گوناگون امری بدیهی است و باعث افزایش چشمگیر ارتباطات بین ملت‌ها، دولت‌ها و وابستگی متقابل آنها می‌گردد (واعظی، ۱۳۸۶: ۲۳).

^۱ عراق، قزاقستان، نروژ، هلند اعضای ناظر اوجک هستند.



زیست‌محیطی و بهره‌برداری و صیانت از ذخایر گاز طبیعی به نفع مردم هر یک از کشورهای عضو^۱ (Gecf.org). قیمت‌گذاری کنونی گاز حاصل توافق فروشنده و خریدار است و هیچگونه ثباتی ندارد که با فعالیت کارتل‌گازی اوجک به عنوان ناظر می‌تواند به قیمت‌گذاری‌های گاز ثبات و امنیت دهد (Wagbara, Ibid: 15-16). برای درک بهتر منافع مشترک کشورهای عضو سازمان اوجک به دسته‌بندی‌های انجام شده رجوع شد تا مشخص گردد کدام کشورهای عضو منافع با تشابه و نزدیک‌تری در طول زمان دارند.

سه کشور ایران، روسیه و قطر بیشترین و عمده‌ترین ذخایر گازی جهان را در اختیار دارند که به وجود آمدن یک اتحادیه از جانب همین سه کشور و تصمیم به رفتار مشترک در این حوزه یعنی تولید و صادرات گاز باعث اختصاص سهم اصلی صادرات گاز به آمریکا، اروپا و آسیای جدید صنعتی را در انحصار آنها قرار خواهد داد (Dipeso, 9: 2011). حدود ۵۰ درصد از منابع گاز جهان در اختیار این سه کشور است، پیش‌بینی می‌شود که بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۳۰ تقاضای انرژی تقریباً ۶۰ درصد افزایش داشته باشد (Wagbara, Ibid: 12). این در حالی است که در حال حاضر اعضای فعلی سازمان ۷۸.۹ درصد از کل ذخایر گازی جهان را در اختیار دارند و ۵۵.۶ درصد گاز مصرفی بازار جهانی را تولید می‌کنند.^۲

تولید و تجارت جهانی LNG در اختیار اعضاء سازمان است، سه کشور ایران، روسیه و قطر حدود ۵۰ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارند (تکلیف، ۱۳۹۲: ۴۶). در صورت عدم توسل به سازمان کشورهای صادرکننده گاز و اقدام به فروش گاز به صورت تکی و بافاصله از سایر صادرکنندگان گاز باعث بروز فشار و محدودیت‌های زیادی بر صادرکنندگان خواهد شد و تقویت هرچه بیشتر اوجک و همسویی سازمان یافته کشورهای صادرکننده گاز می‌تواند تأمین‌کننده منافع هرچه بیشتر این کشورها در کوتاه‌مدت و بلندمدت باشد (جزایری، ۱۳۸۹: ۲). سازمان برای سیاست‌گذاری کشورهای صادرکننده گاز به وجود آمده و در قالب آن می‌توان با مبادله فناوری، هزینه تولید گاز را کاهش داد و ثبات در تأمین گاز را تقویت کرد (پورا احمدی، ۱۳۹۰: ۳).

اهداف سازمان اینگونه بیان شده تلاش سازمان ارتقاء سطح هماهنگی‌ها و تقویت همکاری‌های کشورهای عضو، طراحی سازوکاری برای ثمربخشی گفتمان بین صادرکنندگان و مصرف‌کنندگان گاز، تأمین ثبات و امنیت عرضه و تقاضا در بازارهای گاز طبیعی، طبق اساسنامه مجمع مأموریت و هدف آن چنین تعریف شده است «حمایت از حق حاکمیت کشورهای عضو نسبت به ذخایر گاز طبیعی آنان و توانمندی‌های هر یک از اعضاء در برنامه‌ریزی و مدیریت مستقل بر توسعه پایدار کارا و آگاه نسبت به ملاحظات

¹ To support the sovereign rights of member countries over their natural gas resources and their abilities to independently plan and manage the sustainable, efficient and environmentally conscious development, use and conservation of natural resources for the benefit of their peoples. www.gecf.org

^۲ می‌توان پتانسیل اوجک را از لحاظ میزان منابع که خود یکی از پارامترهای اساسی است بالاتر ارزیابی کرد زیرا کشورهای عضو اوپک ۷۵ درصد از ذخایر نفت را در اختیار دارند، همچنین دارای سهم ۴۰ درصدی در صادرات نفت جهان هستند.

بلندمدت انتقال داده می‌شود، بنابراین به دست آوردن این بازارها، قدرت، ثروت، توسعه، امنیت و ... را به همراه خواهد داشت.

مسئله امنیت انرژی هم برای تولیدکنندگان گاز و هم برای مصرف‌کنندگان این حامل استراتژیک انرژی دغدغه محسوب می‌شود و رفتار مشترک در قالب کارتل‌گازی اوجک به عنوان یک راه‌حل اساسی برای این مشکل و البته مسائلی مانند قیمت‌گذاری و ... که می‌توان گفت همه این موارد در حوزه امنیت انرژی قابل تعریف خواهد بود. پیش‌بینی شده است، اما در این میان میزان دغدغه‌مندی کشورهای مختلف در این حوزه به یک میزان و مساوی نخواهد بود و به پارامترهای زیادی بستگی دارد از جمله میزان ذخایر، میزان صادرات، میزان درآمدهای گازی، میزان وابستگی اقتصادی به گاز این در حالی است که مقوله گاز و صادرات آن برای سه کشور مورد بررسی حتی در حوزه امنیت ملی آنها قابل بررسی است، لیکن بررسی آمارهای مربوط به میزان منابع و صادرات گاز اعضای اوجک خالی از لطف نیست. قطعاً برای هر کشوری تأمین منافع ملی خود در اولویت است و پذیرش نقش سازمان در راستای تأمین هرچه بیشتر منافع ملی خود در این حوزه گاز است با توجه و نظاره شاخص‌های اساسی حوزه نفت و گاز و تقسیم‌بندی کشورهای عضو مشخص خواهد شد کدام کشورها زمینه همگرایی بیشتری را دارند و می‌توانند منافع بیشتری را از طریق رفتار مشترک تحصیل نمایند.

انرژی به خودی خود هم یک کالای اقتصادی محسوب می‌شود، اما با این تفاوت که فوق‌العاده استراتژیک نیز است و از نقش اثرگذاری و غیرقابل‌انکاری در شبکه به هم تنیده تعاملات برخوردار است، زیرا هم خود عاملی قدرت‌آفرین است و هم قابلیت تبدیل به قدرت‌های دیگر را دارد، همچنین عامل تحرک در عرصه سیاست بین‌الملل تلقی می‌شود، می‌توان گفت امروزه حامل‌های انرژی بیش از پیش به فاکتور تعیین‌کننده در توسعه، رفاه، امنیت ملی و قدرت بین‌الملل مبدل شده‌اند (کاظم‌پور اردبیلی، پیشین: ۷). به‌نحویکه پیش از این بیان شد یکی از رسالت‌های واگذار شده به اوجک تأمین امنیت انرژی (گاز) برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است، امنیت انرژی برای تولیدکنندگان وقتی برقرار خواهد بود که به یک بازار مداوم و همراه با رشد منطقی در آینده دسترسی داشته باشند (ملکی، ۱۳۸۶: ۸).

ژئوپلیتیک گاز طبیعی به نقش تعیین‌کننده آن در شکل دادن روابط اقتصادی، سیاسی و استراتژیک میان کشورها اشاره دارد و اهمیت این نوع انرژی را در رقابت‌ها و همکاری‌های کشورها و تأثیر گاز طبیعی بر سیاست خارجی کشورها را در بر می‌گیرد. در واقع گاز طبیعی مهره‌ای جغرافیایی است که در روابط کشورها نقش بی‌بدیلی ایفاء می‌کند. کشورهای دارنده و صادرکننده عمده گاز جهان در این زمینه تمام کوشش خود را بکار برده‌اند تا منزلت خود را در ژئوپلیتیک گاز طبیعی ارتقاء دهند و بازارهای مهم مصرف‌کننده گاز جهان را که مناطق توسعه‌یافته جهان می‌باشند (Miller, 1977: 119-120). با توجه به اینکه گاز طبیعی بیشتر از طریق خطوط لوله و انعقاد قراردادهای



جدول (۱) متغیرهای کلیدی بخش نفت، گاز و اقتصاد ملی کشورهای عضو اوپک

شرح	اطلاعات پایه برای نفت خام			اطلاعات پایه برای گاز			اطلاعات پایه برای اقتصاد ملی								
	کشور	تولید نفت خام و میعانات (میلیون بشکه در روز)	ظرفیت پالایش (میلیون بشکه در روز)	مصرف فرآورده‌های نفتی (میلیون بشکه در روز)	صادرات فرآورده‌های نفتی (میلیون بشکه در روز)	صادرات نفت خام (میلیون بشکه در روز)	ذخایر اثبات شده گاز طبیعی (تریلیون مترمکعب)	تولید گاز طبیعی عرضه شده به بازار (میلیارد مترمکعب)	مصرف داخلی گاز طبیعی خشک (میلیارد مترمکعب در سال)	صادرات گاز طبیعی (میلیارد مترمکعب در سال)	جمعیت (میلیون نفر)	تولید ناخالص داخلی سرانه (دلار آمریکا)	ارزش کل صادرات (میلیارد دلار)	ارزش صادرات نفت خام (میلیارد دلار)	سهم صادرات نفت خام از کل صادرات (درصد)
الجزایر	۱۲.۲	۱.۶۶۱	۰.۶۵۲	۰.۳۵۲	۰.۲۷	۰.۶۸	۴.۵	۸۶	۲۱	۵۲	۲۸	۵.۵۲۵	۷۳	۴۸	۶۵.۷
امارات	۹۷.۸	۲.۶۱	۰.۶۹۰	۰.۱۴	۰.۲۵۱	۲.۴۵	۶.۱	۵۲.۷	۶۱	۵۱.۸	۸.۱۹	۴۱.۳۸	۲۵۲.۵	۱۰۴.۵	۴۱.۴۰
ایران	۱۵۷.۳	۳.۷۴۰	۱.۶۱۲	۱.۷۶۴	۰.۴۵	۲.۱۰۲	۳۳.۷	۱۶۰.۶	۱۵۲	۹۱.۵	۷۵.۷۶	۷.۷۱۳	۱۳۳.۲	۱۰۱.۴۷	۷۶.۱
بولیوی	۰.۲۱	۰.۰۴۸	-	۰.۰۶۲	۰.۰۰۶	-	۰.۲۸	۱۶.۱	۱۳.۲	۱۳.۲	۱۰	۲.۴۲۱	۹.۱	۰.۱۴	۱.۵۴
ترینیداد و توباگو	۰.۷۲۸	۰.۱۳۶	۰.۱۱۵	۰.۰۵	۰.۱۰۶	۰.۰۷۵	۰.۴۱	۴۱.۲	۲۲.۹	۱۷.۶	۱.۳۱۷	۱۶.۶۹	۱۲.۱۱	۴.۸	۳۹.۶
روسیه	۶۰	۱۰.۲۱۳	۵.۴۲	۲.۷۲۵	۰	۴.۸۸	۴۸	۶۷۶	۵۰۹	۲۲۱	۱۴۳	۱۳۰.۸	۵۷۶	۲۶.۲	۳۵.۷
عمان	۵.۵	۰.۸۹	۰.۲۲۲	۰.۰۹۸	۰.۰۴۷	۰.۰۷۰۵	۰.۸۶	۲۹	۱۷.۵	۱۰.۹	۲.۸	۲۵.۲۲	۴۹.۲	۲۵.۲	۵۱.۲۱
قطر	۲۵.۳۸	۱.۶۳۱	۰.۰۸	۰.۱۸۳	۰.۲۱۰	۰.۵۸	۲۵.۵	۱۲۳	۲۱.۸	۱۱۳.۷	۱.۷۷	۹۸.۱۴	۱۰۷.۱	۷۲.۶	۶۷.۷
گینه استوایی	۱.۱	۰.۳۰۳	-	۰.۰۰۱	۰.۰۰۲	۰.۳۱۹	۰.۰۳۷	۷.۳	۱.۶۱	۵.۲	۱.۲۷۶	۲۷.۴۷	-	۹.۹	-
لیبی	۴۷.۱	۰.۵۰۲	۰.۳۷	۰.۳۱۴	۰.۱۱۹	۱.۳۷	۱.۵۳	۷.۸۶	۶.۸	۳.۶۷	۶.۴۸	۵.۶۹۱	۴۹.۳	۴۵.۴۱	۹۲.۱۰
مصر	۴.۴	۰.۷۳	۰.۰۳۷	۰.۶۹۷	۰.۰۹	۰.۰۸۵	۲.۲۱۱	۶۵	۵۱.۱	۱۰.۵	۸۳	۲.۷۸۱	۴۸.۸	۸	۱۶.۳
نیجریه	۳۷.۲	۲.۵۲۵	۰.۴۴۵	۰.۲۸۶	۰.۰۱۸	۲.۳۷	۵.۱۵	۴۰.۹	۷.۲۲	۲۵.۹۴	۱۵۴.۷	۱.۴۴۳	۱۰۸.۳	۸۶.۲	۷۹.۵
ونزوئلا	۲۹۷.۵	۲.۴۵۳	۰.۰۱۶	۰.۹۸۰	۰.۴۷	۱.۵۵	۵.۵	۳۵.۸	۲۷.۲	-	۲۹	۱۰.۸۶۴	۹۲.۶	۸۸.۱۳	۹۵.۱

با نگاهی اجمالی به وضعیت کشورهای مختلف در این جدول پی خواهیم برد اعضای سازمان اگرچه همگی دارای منافع مشترکی هستند، لیکن به طور قطعی می توان گفت منافع آنها در درجات مختلفی از اهمیت نسبت به یکدیگر قرار دارد. برخی منافع مشترک بیشتری با یکدیگر دارند و نزدیکی منافع آنها مشهودتر است. لذا برای بازتر شدن موضوع جداول و تقسیم بندی های دیگری لازم است.

جدول (۲) پنج شاخص رتبه بندی کشورهای عضو اوچک در بخش گاز (درصد)

ردیف	کشورهای عضو	نسبت ذخایر اثبات شده هر عضو به کل ذخایر اثبات شده اوچک	نسبت تولید هر عضو به کل تولید اوچک	ضریب تخلیه سالیانه هر عضو	نسبت صادرات هر عضو به کل صادرات اوچک	نسبت صادرات هر عضو به کل صادرات جهانی
۱	الجزایر	۳.۳۶	۶.۴۱	۱.۹۱	۱۰.۶۵	۵.۰۳
۲	امارات	۴.۵۵	۳.۹۲	۰.۸۶	۱.۰۶	۰.۵۰
۳	ایران	۲۵.۲۳	۱۱.۹۷	۰.۴۷	۱.۸۷	۰.۸۸
۴	بولیوی	۰.۲۱	۱.۲	۵.۷۵	۲.۷۲	۱.۲۸
۵	ترینیداد و توباگو	۰.۳	۳.۰۷	۱۰.۰۴	۳.۶	۱.۷
۶	روسیه	۳۵.۸۵	۵۰.۳۹	۱.۴	۴۵.۲۷	۲۱.۳۸
۷	عمان	۰.۶۴	۲.۱۶	۳.۳۷	۲.۲۳	۱.۰۵
۸	قطر	۱۹.۰۴	۹.۱۶	۰.۴۸	۲۳.۲۹	۱۱
۹	گینه استوایی	۰.۰۳	۰.۵۴	۱۹.۷۳	۱.۰۷	۰.۵
۱۰	لیبی	۱.۱۴	۰.۵۸	۰.۵۱	۰.۷۵	۰.۳۵
۱۱	مصر	۱.۶۵	۴.۸۴	۲.۹۳	۲.۱۵	۱.۰۱
۱۲	نیجریه	۳.۸۵	۳.۰۵	۰.۷۹	۵.۳۱	۲.۵۱
۱۳	ونزوئلا	۴.۱	۲.۶۶	۰.۶۵	ناچیز	ناچیز

در جدول (۲) می توان پتانسیل کشورهای عضو از لحاظ منابع گازی و تولید این حامل استراتژیک انرژی را بررسی و مورد مطالعه قرار دهیم، ضمن اینکه با توجه به خاصیت مقایسه ای موجود در جدول می توانیم هر عضو را با کل اوچک و یا هر کدام از اعضای دیگر در معرض سنجش قرار دهیم.



جدول ۳) رتبه‌بندی کشورهای عضو اوچک به لحاظ تأثیرگذاری‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت در بازار گاز (درصد)

ردیف	کشورهای عضو	نسبت صادرات هر عضو به کل صادرات اوچک	نسبت صادرات هر عضو به کل صادرات جهانی
۱	روسیه	۴۵.۲۷	۲۱.۳۸
۲	قطر	۲۳.۲۹	۱۱
۳	الجزایر	۱.۶۵	۵.۰۳
۴	نیجریه	۵.۳۱	۲.۵۱
۵	ترینیداد و توباگو	۳.۶	۱.۷
۶	بولیوی	۲.۷۲	۱.۲۸
۷	عمان	۲.۲۳	۱.۰۵
۸	مصر	۲.۱۵	۱.۰۱
۹	ایران	۱.۸۷	۰.۸۸
۱۰	گینه استوایی	۱.۰۷	۰.۵
۱۱	امارات	۱.۰۶	۰.۵
۱۲	لیبی	۰.۷۵	۰.۳۵
۱۳	ونزوئلا	ناچیز	ناچیز

در جدول (۳) سعی شده تا وضعیت کشورهای عضو در روسیه که محورهای اصلی این بررسی هستند شاید سوال حوزه صادرات مورد توجه قرار گیرد زیرا مهم‌ترین عامل در اثرگذاری اعضا در کوتاه‌مدت و میان‌مدت هم بر بازار جهانی گاز و هم سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های اوچک را می‌توان سهم از صادرات در نظر گرفت، ضمن آنکه اعضا براساس رتبه خود در این تقسیم‌بندی به ترتیب در جدول قرار داده شده‌اند. لیکن فاصله ایران از کشورهای قطر و

برانگیز باشد و ذهن را به اینسو ببرد که افتراق منافع بین این کشورها حادث می‌شود، باید توجه داشت نمی‌توان تنها با در نظر گرفتن یک پارامتر قضاوت کرد و در ادامه پارامترها و تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز ارائه خواهد شد تا بتوانیم به یک نتیجه‌گیری مناسب‌تر و سنجیده‌تری دست یابیم.

جدول ۴) رتبه‌بندی کشورهای عضو اوچک به لحاظ اثرگذاری‌های بلندمدت بر بازار گاز

کشورهای عضو	نسبت ذخایر اثبات‌شده هر عضو به کل ذخایر اثبات‌شده اوچک		نسبت تولید هر عضو به کل تولید اوچک		ضریب تخلیه سالیانه		نسبت ذخیره به تولید سالیانه	
	رتبه	درصد	رتبه	درصد	رتبه	درصد	زمان (سال)	رتبه
روسیه	۱	۳۵.۸۵	۱	۵۳.۹	۷	۱.۴۰	۷۱	۷
ایران	۲	۲۵.۲۳	۲	۱۱.۹۷	۱	۰.۴۷	۲۱۰	۱
قطر	۳	۱۹.۰۴	۳	۹.۱۶	۲	۰.۴۸	۲۰۷	۲
امارات	۴	۴.۵۵	۶	۳.۹۲	۶	۰.۸۶	۱۱۶	۶
ونزوئلا	۵	۴.۱۰	۹	۲.۶۶	۴	۰.۶۵	۱۵۴	۴
نیجریه	۶	۳.۸۵	۸	۳.۰۵	۵	۰.۷۹	۱۲۶	۵
الجزایر	۷	۳.۳۶	۴	۶.۴۱	۸	۱.۹۱	۵۲	۸
مصر	۸	۱.۶۵	۵	۴.۸۴	۹	۲.۹۳	۳۴	۹
لیبی	۹	۱.۱۴	۱۲	۰.۵۸	۳	۰.۵۱	۱۹۶	۳
عمان	۱۰	۰.۶۴	۱۰	۲.۱۶	۱۰	۳.۳۷	۳۰	۱۰
ترینیداد و توباگو	۱۱	۰.۳	۷	۳.۰۷	۱۲	۱.۰۰۴	۱۰	۱۲
بولیوی	۱۲	۰.۲۱	۱۱	۱.۲	۱۱	۵.۷۵	۱۷	۱۱
گینه استوایی	۱۳	۰.۰۳	۱۳	۰.۵۴	۱۳	۱۹.۷۳	۵	۱۳

براساس آنچه در جداول فوق مشاهده شد، اگر میزان صادرات را تنها مؤلفه برای اثرگذاری در بازار گاز در کوتاه‌مدت در نظر بگیریم و از میزان منابع و میزان تولید و ... چشم‌پوشی کنیم خواهیم دید ایران در کوتاه‌مدت و میان‌مدت به دلیل مصرف داخلی بالا^۱ کشور قدرتمندی محسوب نمی‌شود لیکن در طول زمان باتوجه به ضریب تخلیه ذخایر گاز کشورهای مختلف و توان بالای ذخایر ایران و تداوم برداشت، ایران در درازمدت برای کشورهای قطر و روسیه یک همراه مناسب در مدیریت بازار گاز اعم از قیمت‌گذاری، صادرات و کنترل باز خواهد بود؛ که همه این موارد تنها در سایه تن دادن به رفتار سازمانی و در واقع رفتار مشترک در قالب اوجک برای ایجاد خیر مشترک امکان‌پذیر خواهد بود.

گاز طبیعی به عنوان عامل همگرایی

مهم‌ترین محور اقتصادی گرایش به توسعه و همکاری‌های منطقه‌ای در بین کشورهای خلیج‌فارس را می‌توان در ثروت مشترک آنها یعنی نفت و گاز دانست. قطعاً این جمله را می‌توان در مورد اوجک و کشورهای عضو آن بکار برد و گاز را به عنوان ثروت مشترک مورد توجه قرار داد. اگر ذخایر گاز را به عنوان یک مزیت اقتصادی قلمداد کنیم، منافع مشترک حاصل از این ذخایر از سویی زمینه‌های همگرایی را فراهم می‌کند، از سوی دیگر همکاری‌های اقتصادی در زمینه گاز طبیعی باعث گسترش روابط سیاسی، افزایش ضریب امنیتی و فرصت‌های اقتصادی خواهد شد. گاز

در جدول (۴) قرابت منافع سه کشور مورد بررسی فارغ از منافع مشترک و خیر مشترکی که برای همه اعضا در رفتار سازمانی در قالب اوجک وجود دارد مشهود است، با کنار هم گذاشتن پارامترهای اثرگذار در درازمدت بهتر می‌شود منافع کشورها و به تبع آن رفتار آنها را مورد بررسی و حتی پیش‌بینی قرار داد و با توجه به نوع عرضه گاز طبیعی و تفاوت‌های آن با نفت که در جای خود به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت بهتر درک خواهیم نمود که در موضوع گاز نزدیکی شرایط در درازمدت بیشتر حائز اهمیت است.

جدول ۵) رتبه‌بندی تلفیقی کشورهای عضو اوجک به لحاظ اثرگذاری‌های بلندمدت بر بازار گاز

گروه	کشور	رتبه
قوی	روسیه	۱
	قطر	۲
	ایران	۳
متوسط	امارات	۴
	ونزوئلا	۵
	نیجریه	۶
	الجزایر	۷
	مصر	۸
ضعیف	لیبی	۹
	عمان	۱۰
	بولیوی	۱۱
	ترینیداد و توباگو	۱۲
	گینه استوایی	۱۳

^۱ پارس جنوبی (گنبدشمالی) بزرگ‌ترین میدان مستقل گازی جهان است؛ که بیش از ۵۰ درصد ذخایر گاز ایران را تشکیل می‌دهد. ایران بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز طبیعی خلیج‌فارس و چهارمین تولیدکننده جهان است. ضمن اینکه بزرگ‌ترین مصرف‌کننده خلیج‌فارس و سومین مصرف‌کننده گاز طبیعی جهان است.



صلح و ثبات در میان کشورهای یک منطقه است. همین رابطه را می‌توان در مورد کشورهای صادرکننده گاز در نظر گرفت و به این مجموعه تعمیم داد. همکاری‌های فنی در اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری و حتی طرح‌های مشترک انتقال و تأمین گاز می‌تواند اعضای اوجک را از رقابت‌های ناسالم در بازار گاز طبیعی خارج کرده و زمینه‌ساز همکاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی مشترک در صنعت گاز شود. یکی از مزایای گاز این است که برخلاف نفت، گاز به‌طور برجسته توسط قراردادهای بلندمدت که اغلب بین ۲۰ تا ۲۵ سال مدت دارند، تجارت می‌شود. این قراردادهای امنیت را برای طرفین درگیر این صنعت تأمین می‌کند. برای خریداران امنیت عرضه و برای فروشندگان حداقل تضمین پرداخت، جهت پوشش هزینه‌های سرمایه و برای موسسات مالی وام دهنده، تضمین نقدینگی پروژه و پرداخت سررسید وام‌ها را در پی خواهد داشت (همان، ۸۵).

اهمیت گاز برای کشورهای روسیه، قطر و ایران

حدود ۵۰ درصد از منابع گاز جهان در کشورهای ایران، قطر و روسیه است (Agouluik, 2004)، میزان ذخایر گاز روسیه ۲۱.۴، ایران ۱۵.۹، قطر ۱۲ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان را تشکیل می‌دهد (British Petroleum). در حال حاضر بزرگ‌ترین شرکت گازی جهان، گاز پروم روسیه است که از طریق انحصار تأمین گاز اروپا یک اهرم قدرت اقتصادی و سیاسی مهم را در اختیار دولت روسیه قرار داده است. حفظ این انحصار هدف اصلی این شرکت و نیز دولت روسیه است، روسیه اکنون ۲۵ درصد گاز مورد

طبیعی به وسیله عوامل ذیل می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد فرصت‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی شود و ضریب صلح و دوستی را در بین کشورهای صادرکننده گاز را افزایش دهد.

خط لوله: صادرات گاز طبیعی از طریق خط لوله و صادرات LNG است؛ که در این میان روسیه بیشترین صادرات گاز طبیعی خود را از طریق خطوط لوله انجام می‌دهد، قطر نیز باتوجه به اینکه اکنون به میزان زیادی صادرات خود را به صورت LNG به انجام می‌رساند لیکن توجه فراوانی به انتقال از طریق خطوط لوله دارد و برنامه‌ریزی‌های فراوانی برای دستیابی به این مهم دارد؛^۱ زیرا انتقال گاز از طریق خط لوله بسیار اقتصادی و مناسب است، هم‌اکنون قسمت اعظم انتقال گاز از طریق خط لوله صورت می‌گیرد به طوری که در سال ۲۰۱۰ از مجموع ۹۷۵/۲۲ میلیارد مترمکعب گاز مبادله شده، ۶۷۹/۵۹ میلیارد مترمکعب آن از طریق خطوط لوله بوده است (BP Statistical Review of World Energy, 2011:28). خطوط لوله

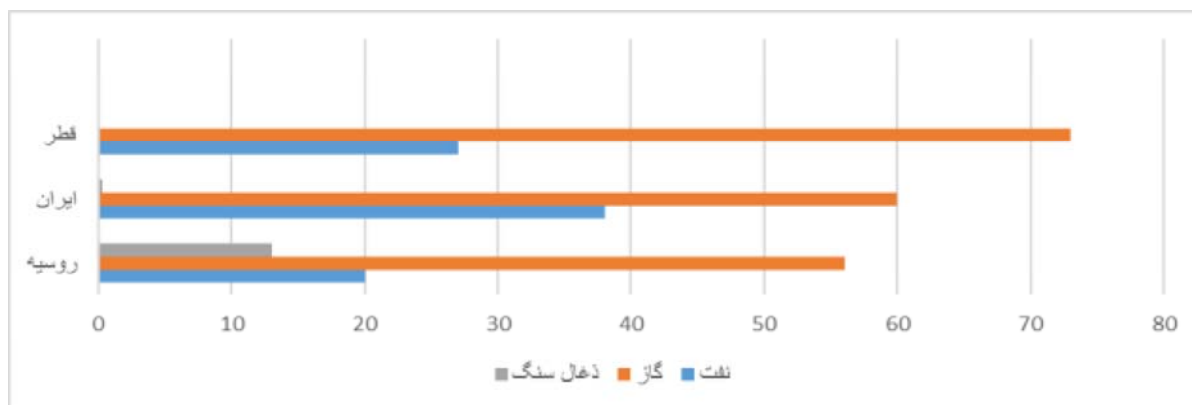
بستری برای توسعه روابط سیاسی- اقتصادی و حل اختلافات خواهد بود، خطوط لوله بین مرزی سبب گسترش همکاری‌ها و روابط اقتصادی میان کشورهای ذینفع و توسعه اقتصادی کشورهای مسیر خطوط لوله و همچنین ایجاد فرصت‌های جدید تجاری خواهد شد (رام، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

همکاری‌های اقتصادی در زمینه گاز: از دیدگاه نظریه- پردازان روابط بین‌الملل توسعه همکاری‌ها و برقراری روابط اقتصادی، تجاری، حمل‌ونقل از روش‌های مناسب برای همگرایی در مناسبات بین‌المللی و تعمیق دوستی ایجاد

قطب اقتصادی منطقه تبدیل شود، خود را تبدیل به یکی از روزنه‌های اصلی بازار انرژی تبدیل نماید (همان، ۱۴۵). ایران نیز مانند دو همتای دیگر خود نیازمند فعال‌سازی بخش گاز برای تبدیل شدن به یک کشور تأثیرگذار است، از طرفی مصرف بی‌رویه داخلی به نحوی که ایران با داشتن سطح بالای تولید و ذخایر به عنوان یک کشور ضعیف از لحاظ صادرات گاز محسوب می‌شود و اینکه منابع نفتی ایران در دوره دوم عمر خود قرار دارند نیاز مبرم به حرکت مناسب در توسعه صادرات و برداشت و نقش‌آفرینی در بازار گاز طبیعی دارد (همان، ۱۹۵).

نیاز اروپا را تأمین می‌کند (عطری، ۱۳۸۹). روسیه از گاز به عنوان ابزار بازسازی اقتصاد رو به افول خود پس از شوروی استفاده کرد و توانست به کمک گاز اقتصاد خود را نجات دهد و با بسط و توسعه صنعت گاز، خونی تازه در رگ‌های اقتصاد فرسوده روسیه جاری کند. همچنین با بهره‌گیری از صادرات گاز اقتدار خود را به عنوان کشور تأثیرگذار عمده در اروپا بازسازی کند، این موضوع موجب استحکام و تقویت امنیت ملی روسیه شد و اکنون کشورهای اروپایی و روسیه به یک نظام امنیتی مهم و پیوسته تبدیل شده‌اند (ترکان، ۱۳۹۱: ۱۴۳). قطر با بهره‌گیری از گاز طبیعی سعی دارد موقعیت خود را در خلیج فارس تغییر داده و به عنوان

نمودار ۱) درصد سهم بخش‌های مختلف تولیدکننده انرژی روسیه، ایران و قطر در سال ۲۰۱۱



نتیجه‌گیری

با کنار هم قراردادن موارد فوق می‌توان به این نتیجه رسید که اولاً اکنون گاز طبیعی یک عنصر مهم است که البته این اهمیت رو به رشد است، زیرا یک حامل انرژی پاک بوده و با دغدغه‌های زیست‌محیطی همسو است و نیز دارای منابع فراوان در عرضه گیتی است و این در حالی است که عصر نفت رو به پایان بوده و ذخایر آن رو به افول است ضمن

با یک نگاه اجمالی به نمودار فوق اهمیت بالای گاز طبیعی در بازار انرژی، اقتصاد سه کشور مورد بررسی مشهود است و به تبع این موقعیت ممتاز که گاز طبیعی به خود اختصاص داده است تأثیرگذاری آن در امنیت ملی این کشورها کاملاً واضح و روشن است.



معتقد است تنها مؤلفه قدرت نظامی نیست. اگر به این همکاری نگاه کنیم و رفتار روسیه در قبال اروپا و استفاده ابزاری برای اعمال قدرت خود و ایجاد نفوذ در کشورهای اروپایی را مورد تحلیل قرار دهیم، زمانی که این کشورها در قالب اوجک عمل نمایند و یک رفتار مشترک و سازمانی را پیش بگیرند کشورهای اروپایی نمی‌توانند از پتانسیل سایر کشورهای صادرکننده گاز که بخش اعظمی از آنها اعضای اوجک هستند بهره ببرند که در این میان می‌توان دو کشور ایران و قطر را تنها جایگزین‌های بلندمدت برای چنین رفتاری هستند که باتوجه به همکاری و در نتیجه آنها وابستگی متقابل اقتصادی که نهایتاً منجر به وابستگی امنیتی و سیاسی نیز از طریق درهم‌تنیده شدن منافع خواهد شد، اجازه نخواهد داد این برخورد صورت پذیرد و در زمینه مختلف می‌تواند الگوی رقابتی غیردوستانه را به الگوهای همکاری و حتی سرمایه‌گذاری‌های مشترک نزدیک کند. در همان مثال در روسیه به وضوح دیده می‌شود امنیت عرضه گاز روسیه به اروپا از طریق همکاری و رفتار مشترک با سایر کشورهای صادرکننده گاز مخصوصاً ایران و قطر ارزان‌ترین و بهترین راه‌حل خواهد بود. این امید وجود دارد که سازمان اوجک با طراحی سازوکار قیمت‌گذاری و تأمین امنیت عرضه و تقاضا گاز طبیعی این عرصه را هم برای صادرکنندگان و هم واردکنندگان گاز ایمن سازد که در صورت تحقق کامل این مهم قطعاً سرمایه‌گذاری‌هایی بیشتری در این بازار انجام خواهد شد. اینجا در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش می‌توانیم بیان کنیم با در نظر گرفتن عقلانیت بازیگران و منافع‌ای که در رفتار مشترک و سازمانی تأمین می‌شود و روی آوردن به ابزارهای

آنکه از لحاظ زیست‌محیطی نیز قابل قیاس با گاز طبیعی نیست. فلذا لزوم سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری صحیح از این موقعیت برای کشورهای صادرکننده گاز که این کالای استراتژیک را در اختیار خود دارند مهم به نظر می‌رسد که با نگاه به لیست کشورهای عضو اوجک (GECF) و سهم بسزای آن‌ها در بازار گاز طبیعی به نظر می‌رسد یک حرکت خوب شروع شده است و پتانسیل‌های قوی جمع‌آوری گردیده، طبق رتبه‌بندی‌هایی که در طول پژوهش ارائه شد، قربت منافع سه کشور ایران، روسیه و قطر چشمگیر است، هر سه دارای ذخایر سرشار گاز هستند، اقتصاد هر سه کشور نیاز مبرم به این صنعت دارد و این تا حدی پیش رفته که می‌توان از گاز به عنوان یک مقوله امنیت ملی برای هر سه کشور نام برد، گاز برای روسیه و قطر به عنوان یک ناجی عمل کرده و ایران نیز به دنبال دستیابی به این سطح از بهره‌گیری از منابع گازی خود است و باتوجه به خصوصیات منحصر به فرد گاز در شیوه صادرات و تفاوت‌هایی که با نفت دارد تکیه بر قراردادهای بلندمدت و منافع بلندمدت در آن رایج‌تر و عاقلانه‌تر است، باتوجه به چارچوب نظری وابستگی متقابل پیچیده به عنوان چارچوب نظری این بررسی و از آنجایی که در این دیدگاه دولت‌ها و بازیگران عرصه بین‌المللی را بازیگران عاقلی می‌دانیم با در نظر داشتن جمیع توضیحات فوق برای هر کدام از سه کشور این مشهود است که همکاری و رفتار مشترک برای نیل به خیر مشترک ضروری است، البته شروع این حرکت و پذیرش عضویت در سازمان اوجک خود نشان از یک عزم و اراده‌ای از طرف هر سه برای رفتار مشترک احساس می‌شود، از سوی دیگر با آموزه‌های وابستگی متقابل که

غیرنظامی برای نفوذ و اعمال قدرت در طرف‌های دیگر در لاتین:

1- Agou, Lnik (2004). A New OPEC in the pipeline? *Washington Post*. final Edition. October 20.

2- Banks, patric (2003). An Introduction to the Economics of Natural Gas. *OPEC*.

3- Dipeso, Jim (2011). Could a Natural Gas Cartel Emerge. July 26.

4- Keohan, Nye (1973). *Translational Relations and World Politics*. Cambridge. MA: *Harvard University Press*.

5- Miller, Linda (1977). Energy, security and foreign policy: A Review Essay. *International Security*. Vol.1. No. 4.

6- Wagbara, Obindah (2005). Is an OGEC Linkely? www.Dundee.ac.uk/cepmlp/car/htm/CAR9-Article17.

ایجاد وابستگی متقابل در بین سه کشور ایران، روسیه و قطر باشد.

فهرست منابع

فارسی:

۱- پوراحمدی، رضا (۱۳۹۰)، «امکان‌سنجی و تأثیر تشکیل سازمان کشورهای صادرکننده گاز (اوجک) به همگرایی و ارتقاء امنیت، قدرت و سایر منافع کشورهای صادرکننده گاز»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، ش ۴.

۲- ترکان، اکبر (۱۳۹۱)، «نقش گاز طبیعی در امنیت ملی ایران، روسیه و قطر؛ مطالعه تطبیقی»، *فصلنامه راهبرد اقتصادی*، سال اول، ش ۱.

وبسایت:

۱- جزایری، آذر (۱۳۸۹)، «ضرورت تغییر سیاست‌های گازی». www.khabaronline.ir

۲- عطری، فاطمه (۱۳۸۹)، «سیاست خارجی کشورها تحت تأثیر مباحث انرژی». www.hamshahri.org

3- www.bp.com

4- www.gecf.org

۳- تکلیف، عاطفه (۱۳۹۲)، «ساختار مجمع کشورهای صادرکننده گاز: عدم تجانس اعضا و معیارهای رتبه‌بندی آن‌ها در اثرگذاری بر بازار گاز»، *فصلنامه اقتصاد انرژی ایران*، سال دوم، ش ۸.

۴- دویج، کارل و دیگران (۱۳۷۵)، *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، مترجم: وحید بزرگی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

۵- رام، منصوره (۱۳۸۶)، «بررسی موانع موجود در یافتن بازارهای مناسب برای صادرات گاز»، *مجله بررسی‌های اقتصادی انرژی*، ش ۸.

۶- کاظم‌پور اردبیلی، حسین (۱۳۸۶)، «سیاست نفتی؛ نقش متقابل کشورها در امنیت جهانی انرژی»، *ماهنامه همشهری دیپلماتیک*، سال دوم، ش ۲۲.

۷- ملکی، عباس (۱۳۸۶)، «برداشت‌های دوگانه، آینده جهان و امنیت انرژی»، *ماهنامه همشهری دیپلماتیک*، سال دوم، ش ۲۲.

۸- واعظی، محمود (۱۳۸۶)، «ابزار توسعه؛ تحولات جهانی در عرصه انرژی و موقعیت ایران»، *ماهنامه همشهری دیپلماتیک*، سال دوم، ش ۲۲.